

قتل عام ارامنه - تقاضای ایتالیا

تا آنوقت نسبت به آنهاروی خوش نشان میداد درصدد برآمد با ازبین بردن و مضمحل کردن این ملت موجبی برای مداخله دول اروپا در دولت عثمانی باقی نگذارد .
سلطان عبدالحمید برای اجرای نقشه خود کردها را که جز سپاهیان عثمانی محسوب میشدند تشویق بازار ارامنه نمود و در نتیجه تبلیغات مذهبی اذهان عمومی را برای قلع و قمع ارامنه حاضر کرد . در ماه اکتبر ۱۸۹۴ در شهرهای ساسون (۱) بیتلیس (۲) و دیار بکر قتل عامی از ارامنه بعمل آمد که باعث اعتراض دول اروپا گردید . عبدالحمید که شخصاً مسبب این کشت و کشتار بود برای ازبین بردن مسئولیت خود با تشکیل کمیسیونی به عضویت نمایندگان اروپائی جهت رسیدگی بقضیه موافقت کرد . چون دولت روسیه با مداخله دولت انگلستان در امور ارامنه موافقتی نداشت در عوض قونسولهای محلی که بصیرت و اطلاع کافی بکنه قضیه داشتند امورین جدیدی به عضویت کمیسیون تعیین گردیدند و طبق تمایل دولت عثمانی مسئولیت امر بیشتر متوجه خود ارامنه گردید دولت انگلستان نیز که میدید اگر بخواهد جداً قضیه را تعقیب کند ممکن است مجبور با اعزام جهازات جنگی به بغازها شده و اختلاف دیرینه در سر قضایای شرق تجدید شود صلاح را در این دانست بر قضیه سرپوش گذاشته و اصرار زیادی برای حمایت از منافع ارامنه بکار نبرد .

در این موقع اغلب دول اروپا مراقب امور داخلی دولت عثمانی و مترصد بودند قسمتی از خاک این کشور را تجزیه کنند . دولت ایتالیا در ۱۸۸۹ درخواست اقدامات جدی برای تصرف طرابلس نموده و در ماه اکتبر در ملاقاتی که کریسپی از بیسمارک بعمل آورد نقشه تقسیم خاک عثمانی را بمعیت یونان پیشنهاد کرده بود در سال بعد در موقع تجدید پیمان اتحاد مثلث نیز در انجام تقاضای خود اصرار داشت و در مقابل مخالفت دولت اتریش در باره این امر نزدیک بود رشته اتحاد مثلث گسیخته شود فقط اقدامات سالیسبوری و فشار او بر کابینه ایتالیا این دولت را موقتاً وادار بسکوت کرده بود . از سال ۱۸۸۴ تا ۱۸۸۹ دول آلمان و انگلستان بعنوان جلو گیری از خطر

Saason (۱)
Bitlis (۲)

پیشنهادات دول اروپا - ادامه کشتار ارامنه

احتمالی حمله فرانسویها و اشغال داردانل توسط روسها وارد مذاکره شده بودند ولی درحقیقت منظور آلمان تقویت نیروی دریائی خود در مدیترانه و امیدوار ساختن ایتالیا بکمک دولت آلمان بود. انگلستان هم که هنوز کاملاً در مصر مستقر نشده بود کمک ایتالیا را در اینموقع لازم شمرده و در موقع لزوم ناوگان ایتالیا ممکن بود کمکهای ذیقیمتی بدولت انگلستان بنماید کابینه ایتالیا هم که کمک خود را برای آلمان و انگلستان لازم میدید روز بروز بر تقاضاهای خود میافزود فقط مخالفت اتریش با پیشنهادات ایتالیا باعث جلوگیری از مقاصد این دولت میشد.

وزیر خارجه کابینه جدید گلاستون روزبری سعی کرد سیاست سلف خود را در مدیترانه تعقیب کند در ضمن کوشش مینمود فرانسه اعلام کند که در صورت بروز اختلاف در مدیترانه بیطرفی را رعایت می نماید اما چون دولت انگلستان نمیتوانست در مقابل فشار تر که نسبت با ارامنه ساکت بماند وزیر خارجه این دولت پیشنهاد نمود برای حمایت ارامنه دولت انگلستان دست با اقداماتی در بغازها بزند تا دولت عثمانی مجبور بر رعایت حقوق ارامنه شود. دولت آلمان هم که ورود جهازات انگلیسی را بدریای سیاه مقدمه شروع جنگ بین انگلستان و روسیه میدانست خوشحال بود که هنوز رسماً نسبت به هیچ یک از طرفین تعهدی نداشته و با خیال راحت خواهد توانست استفاده شایانی ببرد.

دولت فرانسه که مایل بوقوع حوادث غیر مترقبه و تشدید اختلافات بین روسیه و انگلستان نبود پیشنهاد کرد سفرای دول اروپا از عبدالحمید تقاضای اصلاحاتی را نسبت بوضع ارامنه بنمایند. پیشنهاد فرانسه مورد موافقت قرار گرفته و در ۱۶ مه ۱۸۹۵ دول اروپا از سلطان عبدالحمید در خواست رعایت حقوق ارامنه را کردند. سلطان عثمانی که از اختلاف نظر دولت اروپا آگاه بود بر عکس پیشنهاد دول اروپا قتل عام ارامنه را تشویق نمود و از اول تا ۱۶ اکتبر کشت و کشتار ارامنه در قسطنطنیه شروع شد و حتی در ۱۸ اکتبر در موقعیکه سلطان عبدالحمید طرح اصلاحاتی را بنفع

اختلاف نظر روسیه و انگلستان - میانجیگری دولت فرانسه

رعایای خود امضا میکرد مسلمانان بتحریرك او در طرابوزان و دیار بکر مشغول کشتار آرامنه بودند در ماه نوامبر نیز قتل عام آرامنه ادامه پیدا نمود .

در مقابل این وضع و تحریک احساسات عمومی در اروپا بر ضد عملیات سلطان عثمانی در ۷ نوامبر انگلیسها ۱۸ کشتی جنگی خود را بسالونیک فرستادند. روسها هم مقدمات تجهیز ارتش را در سباستوپول شروع کردند. فرانسویها و ایتالیائیها و اتریشیها نیز شروع بتجهیز نمودند . با وجود تمام این تهدیدات دولت عثمانی از تعقیب رویه خود نسبت بارامنه دست نکشید و انگلیسها ناچار دو کشتی جنگی خود را وارد دریای مرمره ساختند و منتشر شد که در موقع لزوم دولت ایتالیا نیز با انگلستان کمک خواهد کرد . بانزدیک شدن جهازات انگلیسی به داردانل تزار روسیه شروع به ارسال نفرات و تجهیز بنادر سباستوپول و ادسا نموده و در ۲۵ نوامبر ۱۸۹۵ بدولت عثمانی اطلاع داد دولت روسیه بمعیت دولت فرانسه اقدامات لازم را برای حفظ بیطرفی خاک عثمانی معمول خواهد داشت .

دولت انگلستان برای اجبار عثمانی بر عایت حقوق آرامنه پیشنهاد اقدام دسته جمعی دول اروپا در نزد دولت عثمانی کرد. روسها که خیال میکردند پیشنهاد انگلستان منجر بنفوذ این دولت در دولت عثمانی شده و بعداً مانند مصر بتنهائی نفوذ خود را در دولت عثمانی برقرار خواهد کرد از پیشنهاد انگلستان حسن استقبال نمودند. دولت فرانسه که میترسید اختلافات در شرق موجب بروز جنگ در غرب گردد شروع با اقدامات جدی برای رفع اختلافات بین دول نمود و ضمناً بدولت روسیه خاطر نشان کرد دولت فرانسه نسبت با اقداماتی که در پیمان اتحاد پیش بینی نشده است مقید بکمک روسیه نخواهد بود . بدولت انگلستان نیز تذکر داد مخالف هر گونه تجاوزی نسبت بخاک عثمانی میباشد . باین ترتیب در نتیجه اختلافات دول اروپا وجود نداشتن هم آهنگی بین آنها منافع آرامنه فدای جلوگیری از بروز اختلافات زیاد تری بین روسیه و انگلستان گردید.

قتل عام مجدد ارامنه - عدم کمک دول اروپا با ارامنه - مسئله کُرت

در سال ۱۸۹۶ ارامنه که وضع خود را بدتر از پیش میدیدند بتحریر يك دستجات شورشیان تروشاک^(۱) بیانك عثمانی حمله نمودند اقدامات ارامنه باعث تشدید اقدامات دولت عثمانی شده و در اواخر اوت ۱۸۹۶ کشتار ارامنه دو مرتبه شروع شد و چون لرد سالیسبوری تقاضای اقدام جدی در نزد دولت عثمانی مینمود دولت فرانسه پیشنهاد اجتماع يك ناوگان بین المللی را در نزد یکی داردانل نمود روسها که مخالف برقراری هر گونه نفوذ خارجی در بغازها بودند اعلام کردند که در اینصورت آنطرف بغازها را در دریای سیاه اشغال خواهند کرد و برای پیش بینی تجهیز بنادر سباستوپول و ادسا از نو شروع شد. در نتیجه این دفعه هم منافع ارامنه فدای نگاهداری صلح بین دول اروپا گردید فقط سلطان عبدالحمید برای اسکات دول اروپا وعده داد طرح اصلاحات اداری را به سه ولایت آسیای صغیر که ارامنه در آنجا سکنی داشتند تعمیم دهد.

رفتار سلطان عبدالحمید نسبت بمسیحیان در جزیره کُرت نیز مورد تنفر عمومی قرار گرفت در ۵ مارس ۱۸۹۶ سلطان عبدالحمید حاکم جدیدی برای جزیره کُرت تعیین کرد اهالی کُرت که از مدت مدیدی درخواست الحاق این جزیره را بیونان کرده بودند از تغییر حاکم استفاده نموده و شورش کردند حاکم جدید بفرمان سلطان عثمانی با قساوت تمام نسبت بمسیحیان رفتار کرده و در ماه ۱۸۹۶ قتل عامی در کانه^(۲) بعمل آمد و حاکم جدیدی نیز با دستجات ارتش کمکی از طرف دولت عثمانی بجزیره کُرت اعزام شد. در مقابل تهدید دول اروپا بفرستادن ناوگان جنگی به کُرت سلطان عبدالحمید ناچار شد وعده اصلاحاتی را در جزیره کُرت بدهد ولی در باطن امر حکام عثمانی از هیچگونه آزار و اذیتی نسبت بساکنین جزیره کُرت فروگذار نمیکردند. دولت یونان که الحاق جزیره کُرت را چندین مرتبه تقاضا کرده بود با اعزام دستجات کمکی و ارسال مهمات بشورشیان کمک های زیادی نمود و دامنه شورش را

Trochak (۱)

Cannèe (۲)

دخالت یونان و دول اروپا - مسئله مقدونیه

هر روز وسیع ترمی ساخت باین جهت در ماه اوت ۱۸۹۶ دول اروپا بسلطان عثمانی پیشنهاد نمودند حفظ انتظام در جزیره کرت بآنها واگذار شود. در اثر شورش در کرت و تشدید فشار حکام عثمانی در ماههای ژانویه و فوریه ۱۸۹۷ قتل و غارت و هرج و مرج در کرت توسعه پیدا نمود و پارلمان یونان از این امر استفاده و بدولت یونان پیشنهاد اعزام دو کشتی جنگی را بکرت نمود. سلطنت عبدالحمید که مقصود یونان را دریافته و میدانست که پادشاه یونان در نظر دارد یکی از پسرانش را بکرت بفرستد. دولت روسیه هم ممکن بود بواسطه قرابت خانوادگی با پادشاه یونان باین امر موافق باشد برای جلو گیری از عملی شدن نظریه دولت یونان طبق پیشنهاد قبلی دول اروپا فوراً جزیره کرت را در اختیار دول اروپا گذارد تا صلح را در آنجا برقرار نمایند.

چون دولت روسیه که درباره قضایای ارامنه با مداخله دول اروپا در امور عثمانی مخالفت کرده بود نمی توانست در کرت از شورشیان طرفداری نماید در ۱۱ فوریه ۱۸۹۷ ناوگان فرانسوی و انگلیسی به جزیره کرت رسید و بزودی ناوگان اتریش و ایتالیا نیز بآنها ملحق شدند و اعلام نمودند که در وضع حاضر الحاق جزیره کرت بیونان ممکن نیست باین ترتیب اقدام سلطنت عبدالحمید بدون اینکه کرت را از تسلط سلطنت عثمانی خارج سازد مانع الحاق این جزیره بیونان گردید.

موضوع دیگری که در کشور عثمانی در پایان قرن نوزدهم توجه عموم دول را بخود جلب نمود قضیه مقدونیه بود پیمان سان استفانو تقریباً تمام این ناحیه را جزء بلغارستان قلمداد نمود ولی پیمان برلن دومرتبه مقدونیه را تحت تسلط سلطنت عثمانی قرارداد. اهالی مقدونیه که هر قسمت آنها متکی بیکی از دول مجاور خود سربستان بلغارستان یا یونان بودند کم و بیش از سال ۱۸۹۰ تقاضای استقلال و الحاق بیکی از این دول را میکردند بعد از امیدهایی که پیمان سان استفانو به بلغارها داده بود از طرف آنها کمیته هائی برای انتزاع مقدونیه از عثمانی تشکیل گردید عبدالحمید طبق معمول خود برای از بین بردن احساسات اهالی با کمک ارتش خود و سرکردگان آلبانی که

رفع خصومت بلغارستان و روسیه - توافق نظر روسیه و اتریش در امور بالکان

همواره مترصد غارت و چپاول بودند مشغول کشت و کشتار و وارد آوردن فشار در مقدونیه گردید. اهالی این سامان هم از روی اجبار به سرستان و بلغارستان فرار نموده خود راهیای انتقام ساختند.

بعد از برقراری فردیناند دو کوبورک به سلطنت بلغارستان روابط این دولت با روسیه فوق العاده تیره شده و تازمانی که آلکساندر سوم تزار روسیه بود دولت روسیه بهیچوجه روی موافقتی به بلغارستان نشان نمیداد بعد از برقراری نیکلای دوم به سلطنت روسیه پادشاه بلغارستان اقدامات زیادی برای جلب دوستی روسیه بعمل آورد نخست وزیر بلغارستان استامبولوف^(۱) که طرف تنفر تزار روسیه بود معزول گشت و ولیعهد بلغارستان نیز با این مذهب ارتودکس غسل تعمید گردید. در نتیجه در سال ۱۸۹۶ نیکلای دوم پادشاه بلغارستان را برسمیت شناخته و ظاهراً موافقتی بین این دو دولت پیدا شد و دولت بلغارستان با از بین بردن خصومت روسیه گمان میکرد بتواند در مقاصد خود نسبت به مقدونیه کامیاب شود. اگر بین دول بالکان موافقتی وجود داشت سلطان عثمانی نمیتوانست در مقابل آنها ایستادگی نماید ولی با رقابت و اختلافاتی که بین بلغارستان و سرستان وجود داشت سلطان عبدالحمید هیچگونه واهمه بخود راه نداده و اقدامات خود را هر روز در مقدونیه تشدید میکرد.

دوات اتریش که مایل نبود ملل بالکان توسعه پیدا نموده و اسباب مزاحمت او را فراهم سازند باب مذاکرات را برای نگاهداری صلح در بالکان با روسیه مفتوح نموده و در نتیجه ملاقات وزرای خارجه اتریش و روسیه در ماه اوت ۱۸۹۶ دو دولت

(۱) stephane stamboulov (۱۸۵۳-۱۸۹۵) سیاستمدار بلغارستانی - در جنگ

۱۸۷۷ در ارتش روسیه خدمت کرد در ۱۸۸۴ وزیر شد. برای برقراری سلطنت باتسیرک و فردیناند زحمات بسیاری کشید. نایب السلطنه بلغارستان بین دو سلطنت - نخست وزیر بلغارستان در ۱۸۸۷ - مخالف دخالت روسیه در بلغارستان - خشونت او اهالی را منزجر ساخت در ۱۸۹۴ مجبور با استعفا شد - در ۱۸۹۵ بقتل رسید.

جنگ عثمانی و یونان - تعهد نگاهداری وضع فعلی در بالکان از طرف روسیه و اتریش روسیه و اتریش تصمیم گرفتند از مداخلات خارجی و شورشهای داخلی در دولت عثمانی جلوگیری کنند کشتارهایی که در اواخر ماه اوت ۱۸۹۶ در قسطنطنیه از مسیحیان بعمل آمد و فشاری که دولت عثمانی بر مسیحیان در کرت و مقدونیه وارد میآورد باعث گردید که سربها و بلغارها و یونانیها از سلطان عثمانی امتیازاتی را برای برادران دینی خود درخواست کنند. پادشاه یونان در تحت فشار عقاید عمومی در فوریه ۱۸۹۷ ارتشی به تسالی (۱) اعزام داشت و در اثر اختلافاتی که بزودی بین دستجات ارتش عثمانی و یونان بروز کرد در ماه آوریل جنگ بین دولت عثمانی و یونان شروع شد در نتیجه عدم مداخله دول اروپا در ماه آوریل یونانیها شکست سختی از ترکها خورده و ارتش عثمانی لاریسا (۲) را متصرف گردید.

برای جلوگیری از توسعه اغتشاش در بالکان در ماه آوریل ۱۸۹۷ فرانسوا ژوزف از تزار روسیه بازدیدی بعمل آورد و دو امپراطور روسیه و اتریش بمعیت وزیرای خود طرح موافقتی را برای تعقیب خط مشی سیاسی واحدی در بالکان تنظیم نمودند در ۸ مه ۱۸۹۷ بعد از مراجعت امپراطور اتریش بین روسیه و اتریش قرار داد مخفی بامضا رسید که بموجب آن دولتین تعهد میکردند اگر ادامه وضع فعلی در بالکان میسر نباشد با هر نوع کشورگشائی که از طرف دول دیگر صورت گیرد مقاومت نمایند. با امضای این پیمان دولت روسیه که میترسید دولت انگلستان در اثر مداخله در امور عثمانی راه های دریای سیاه را مانند ترعه سوئز در اختیار خود در آورد بدون درخواست تصرف بغازها دول دیگر را از این ناحیه دور نگاه میداشت. دولت اتریش نیز در نظر داشت در صورت تشدید اختلافات و اغتشاشات بوسنی و هرزه گوین را اشغال نموده و دولت آلبانی را مستقل سازد.

توافق نظر بین اتریش و روسیه کمک زیادی به کاسته شدن اختلافات در بالکان نمود. امپراطور آلمان هم گرچه از مرتفع شدن اختلافات اتریش و روسیه در بالکان خوشنود نبود زیرا احتیاج اتریش را از آلمان سلب مینمود مجبور گردید روی موافقت

Thessali (۱)

Larissa (۲)

ترك مفاصمه يونان و عثمانی

نشان دهد . دولت ایتالیا هم که تقاضاهای زیادی در سواحل آدریاتیک داشت مجبور گردید موقتاً ادعاهای خود را مسکوت گذارد . دول سربستان و رومانی و بلغارستان و مونتهنگرو نیز کم و بیش دست از تبلیغات خود برداشتند . در اثر میانجیگری تزار روسیه دولت یونان که از ارتش عثمانی شکست خورده بود نجات یافت و تعهد نمود ارتش خود را از جزیره کرت احضار کرده و دیگر تقاضای الحاق این جزیره را بیونان ننماید . دولت عثمانی نیز در تحت فشار روسیه واقع شده در ۱۸ مه ۱۸۹۷ ترك مفاصمه را با یونان امضاء و در ۱۴ دسامبر ۱۸۹۷ تسالی را در ازای پرداخت غرامت بیونان مسترد نمود .

در سال ۱۸۹۸ برای جلب رضایت یونان تزار روسیه پیشنهاد نمود حکومت مستقل جزیره کرت که در ۴ دسامبر ۱۸۹۷ مورد موافقت دول اروپا قرار گرفته بود به پسر پادشاه یونان واگذار شود . دول آلمان و اتریش برای اینکه احساسات تر کها بر ضد آنها برانگیخته نشود با این پیشنهاد مخالفت کردند و در نتیجه حکومت کرت بدست دریا سالاران خارجی بمعیت چهار مستشار خارجی و یک مجلس انتخابی از طرف اهالی جزیره که وینزلوس^(۱) نیز در آن عضویت داشت سپرده شد . اهالی کرت گرچه مجبور بقبول این حکومت شدند ولی چون در همان روز ارتش عثمانی که در کاندی اقامت داشت شروع به اقداماتی برای تصرف شهر و کشتن مسیحیان نمود دول اروپا فوراً در صدد متوقف کردن عملیات آنها برآمده و در ۵ اکتبر سلطان عثمانی مجبور به احضار ارتش خود از کرت گردید . در نتیجه این امر تصمیم گرفته شد پسر پادشاه یونان پرنس ژرژ^(۲)

(۱) Eleuthère-Venizelos (۱۸۶۴-۱۹۳۶) سیاستمدار معروف یونانی - مخالف مداخله دولت عثمانی در کرت و محرک شورشیان این جزیره - در ۱۸۹۸ عضو حکومت موقتی کرت - در ۱۹۰۶ کمیسر عالی کرت - نخست وزیر یونان در ۱۹۱۱ - اصلاحات زیادی بعمل آورد و عامل جنگ یونان با عثمانی بود - در ۱۹۱۴ چون متعایل به متفقین بود با پادشاه یونان اختلاف پیدا کرد - در ۱۹۱۶ بر علیه حکومت یونان حکومت ملی در سالونیک تشکیل داد - نماینده یونان در کنفرانس صلح و رسائی - نخست وزیر یونان در ۱۹۲۴ - نخست وزیر یونان از ۱۹۲۸ تا ۱۹۳۳ .

(۲) Prince-Georges (۱۸۶۹) پسر دوم پادشاه یونان - در ۱۸۹۸ بعنوان کمیسر عالی دو کرت انتخاب شد - در ۱۹۰۶ از این مقام استعفا و از سیاست کناره گیری نمود .

برای مدت سه سال بعنوان کمیسر عالی کرت برقرار شود. اهالی جزیره کرت هم که یکقدم دیگر بطرف الحاق بیونان جلو رفته بودند به این امر اکتفا نموده و منتظر روزی شدند که رسماً بیونان ملحق گردند.

توافق نظر روسیه و اتریش درباره امور بالکان از قتل و غارت دولت عثمانی در مقدونیه جلوگیری نمود. از ۱۸۹۸ اهالی مقدونیه و مخصوصاً بلغارهای ساکن این ناحیه مجامع سری تشکیل داده و شروع بمقاومت در برابر ارتش عثمانی و نفرات آلبانی نمودند دولت اتریش برای جلوگیری از مداخلات خارجی مذاکراتی بادولت ایتالیا بعمل آورده و این دولت را هم موافق بانگاهداری وضع فعلی در بالکان نمود. و یکتور امانوئل سوم پادشاه جدید ایتالیا نیز در ملاقاتی که در ماه ژوئیه ۱۹۰۲ از تزار روسیه بعمل آورد رسماً توافق نظر خود را با سیاست اتریش و روسیه در بالکان اعلام داشت. بعد از این مقدمات در ۲۹ دسامبر ۱۹۰۲ دولتین روسیه و اتریش برنامه اصلاحاتی را برای مقدونیه بدولت عثمانی پیشنهاد کردند.

در آخر سال ۱۹۰۲ مجامع سری مقدونیه در مقابل فشارتر کهها شروع بشورش کرده و جنگهایی بین انقلابیون و ارتش عثمانی در گرفت. سلطان عبدالحمید ارتشی از آسیای صغیر بمقدونیه اعزام و برای حفظ صورت ظاهر حلمی پاشا^(۱) را که مرد فعال و پاکدامنی بود بعنوان بازرس بمقدونیه فرستاد در صورتیکه مأمورین دولت عثمانی بهیچوجه در تحت امر او نبوده و بعملیات جابرا نه خود مانند سابق ادامه میدادند. در آوریل ۱۹۰۳ نیز سلطان عبدالحمید ظاهراً عفو عمومی را در مقدونیه اعلام و تأسیس ژاندارمری مخصوصی را برای این ناحیه وعده داد ولی بتحریک خود او مسلمانان و اهالی آلبانی بر علیه فرامین او اعتراض و اغتشاش نمودند. سلطان عبدالحمید بیبها نه از

(۱) حلمی پاشا (۱۸۵۹) سیاستمدار عثمانی - طرفدار جوانان ترک ولی نسبت بسطنت عثمانی وفادار بود اصلاحاتی در مقدونیه بعمل آورد. در ۱۹۰۹ صدر اعظم عثمانی و بعد از خلع سلطان عثمانی دست با اصلاحات اداری زد. در اوخر سال ۱۹۰۹ مجبور باستعفا گردید

موافقت نامه مورزتک

بین بردن این اغتشاش ارتش بزرگی بمقدونیه اعزام داشت و در نتیجه بدرفتاری با مسیحیان انقلاب عمومی در مقدونیه شروع شده و در تمام مدت تابستان سال ۱۹۰۳ جنگ و خون ریزی در مقدونیه رواج یافت در مقابل این وضع دول اروپا هم مجبور بتقاضای اقدامات جدی تری در مقدونیه شدند.

در اثر اغتشاشات مقدونیه قونول روسیه در موناستیر^(۱) کشته شد و بنظر می آید در نتیجه این پیش آمد دولت روسیه از رویه قدیمی و صلح طلبی خود دست بردارد ولی در ۱۱ سپتامبر ۱۹۰۳ وزیر خارجه روسیه با دولت اتریش وارد مذاکره شده و بدون آنکه منتظر نظر دول اروپا شوند جهت اجبار سلطان عثمانی در ۲ اکتبر ۱۹۰۳ این دو دولت بر نامه اصلاحاتی در مورزتک^(۲) برای سلطان عثمانی تنظیم کردند تا بموجب آن مأمورین اتریش بمعیت حلمی پاشا نظارت در امور مقدونیه نموده و یک سردار خارجی بکمک افسران اروپائی مأمور تشکیل ژاندارمری گردد ضمناً از سلطان عثمانی دعوت کردند به بعضی از نواحی استقلال داخلی داده برخی از مشاغل را به مسیحیان واگذار نموده و با تشکیل کمیسیونهای مختلطی بمعیت قونسولهای اتریش و روسیه موجبات رسیدگی به اختلافات گذشته را فراهم آورد.

سلطان عبدالحمید بنا بعبادت دیرینه خود در اجرای این بر نامه تعطل نمود و گمان کرد بتواند با واگذاری امتیازاتی بهر یک از دول اروپا بین آنها اختلاف انداخته و از زیر بار اصلاحات بگریزد ولی این بار حساب سلطان عثمانی غلط در آمد در تحت فشار انگلیسها و موافقت فرانسوی ها و ایتالیائیها موافقت نامه مورزتک در آوریل ۱۹۰۴ جنبه بین المللی بخود گرفت و در ۱۸ دسامبر ۱۹۰۵ تهدید جهازات جنگی دول اروپا سلطان عثمانی را وادار نمود که قبول نماید کمیسیون بین المللی در سالونیک اداره امور مقدونیه را تحت نظر بگیرد.

ماده سوم موافقت نامه مورزتک دولت عثمانی را دعوت مینمود از لحاظ نژادی

Monastir (۱)

Murzteg در اتریش (۲)

نهضت جوانان ترك

خود نواحی مختلف مقدونیه را تغییر دهد وجود این ماده سبب شد که یونانیها - رومانیها - بلغارها - سربها - هر کدام برای اینکه مناطق بیشتری را در تحت نفوذ خود داشته باشند بجان یکدیگر افتاده و مدت چند سال کشمکش در بین آنها برقرار باشد تا اینکه به پیشنهاد انگلستان در سال ۱۹۰۷ این ماده حذف گردید و برای تسریع اصلاحات در مقدونیه مقرر شد عوارض گمرکی اضافی نیز ازاله التجاره های اروپائی دریافت گردد - سلطان عبدالحمید باز مدتی وقت را بتعلل گذرانیده و با وعده اصلاحات قضائی در نظر داشت دول اروپا را سرگرم سازد ولی در ماه ژوئیه ۱۹۰۸ مجبور با حضار ارتش خود از مقدونیه شده موظف گردید اصلاحات قضائی را در تحت نظارت کمیسیونیی در مقدونیه بعمل آورد .

بطوریکه ملاحظه میشود سیاست سلطان عبدالحمید دولت عثمانی را در بفساد و نیستی سوق میداد و اگر اختلافات نظر دول اروپا نبود در پایان قرن نوزدهم این مرد بیمار راه دیار عدم را در پیش میگرفت ولی اختلافات سیاست خارجی مانع از آن نمیشد که در داخله عثمانی رژیم حکومت غیر قابل تحمل گردد . در اثر استبداد سلطان - رواج فساد اخلاق - جاسوسی و رشوه خواری درباریان کم کم نهضت جدیدی در دولت عثمانی بنام جوانان ترك ایجاد شد سران این نهضت از ۱۸۹۸ تا ۱۹۰۷ در ازمیر و سالونیک اجتماعاتی بنام جمعیت « اتحاد و ترقی » تشکیل دادند این اجتماعات رفته رفته در ارتش عثمانی نیز رخنه نمود و در کنگره که در سال ۱۹۰۸ در سالونیک تشکیل گردید بر نامه خود را تنظیم و در ۲۳ ژوئیه ۱۹۰۸ در اثر برپا کردن انقلاب سلطان عثمانی را مجبور به اعطای حکومت مشروطه کردند .

فصل پانزدهم

ویلهلم دوم و سیاست آلمان

سلطنت صدروزه فردریک سوم. سلطنت ویلهلم دوم - اختلاف نظر بین امپراطور و صدراعظم - عزل بیسمارک - صدارت دوکاپریوی - سیاست شخصی ویلهلم دوم - تظاهرات امپراطور آلمان - صدارت هوهنلو - تقویت بحریه آلمان - دخالت در امور مستعمراتی و خاور دور - نمایشات ویلهلم دوم - افتتاح کانال کیل - اعلام اتحادیه روسیه و فرانسه - تفتین در مناسبات فرانسه و روسیه - تحریکات آلمان در سیاست فرانسه - صدارت دو بولو.

وحدت آلمان در نتیجه سعی و جدیت بیسمارک صدراعظم بزرگ آلمان عملی شد تا زمانی که ویلهلم اول امپراطور آلمان بود بیسمارک دغدغه بخود راه نداده و رئیس حقیقی حکومت آلمان محسوب میشد. اگر بعضی مواقع هم با مخالفت امپراطور آلمان مواجه میگشت بانوسل به تهدید استعفا از مقام صدارت عظمی امپراطور پیر آلمان را مجبور بمتابعت از نظریات خود مینمود. بعد از فوت ویلهلم اول در ۱۳ مارس ۱۸۸۸ پسرش فردریک سوم امپراطور آلمان گردید. گرچه مناسبات بیسمارک با امپراطور جدید آلمان زیاد حسنه نبود چون فردریک سوم ضعیف و بیمار بود تغییری در حکومت آلمان وارد نشد و بعد از صدروز سلطنت پسرش ویلهلم دوم امپراطور آلمان گردید.

سلطنت ویلهلم دوم - اختلاف بین امپراطور و صدراعظم

بادر نظر گرفتن بیماری فردریک سوم بیسمارک تمام همش را صرف تربیت ویلهلم دوم کرده بود. امپراطور جدید آلمان که بیشتر اوقاتش را در ارتش میگذراند قبل از رسیدن به سلطنت طرف توجه بیسمارک واقع شده و حتی در موقع سلطنت فردریک سوم بیسمارک نقشه طرح کرد که او سلطنت را در دست بگیرد. ویلهلم دوم نیز که حس جاه طلبی زیادی داشت خیالات دور و درازی برای عظمت آلمان در سر میپروراند و از هیچگونه عملی چه اعمال زورچه توسط به خدعه و فریب ابا نداشت بدین جهت بظاهر امور اهمیت زیادی داده و در تمام مواقع کاملاً مواظب حرکات و رفتار خود بود.

برای جلب نظر دول اروپا ویلهلم دوم در شروع سلطنت خود تصمیم گرفت مسافرتهائی بدر بارهای اروپا بنماید بر نامه این مسافرتها نیز طبق دستور بیسمارک انجام گرفت و در بدو امر مانند اسلاف خود زمام امور را باختیار بیسمارک گذاشت. ولی بعد از یکسال امپراطور جدید آلمان که میخواست با اقدامات خود جلب توجه عمومی را بنماید شروع بمداخله در امور مملکت نموده و سعی میکند از اختیارات بیسمارک بکاهد نتیجه این کار بروز اختلاف بین امپراطور و صدراعظم آلمان گردید. از ماه اوت ۱۸۸۹ ویلهلم دوم گرچه ظاهراً احترام زیادی نسبت به بیسمارک معمول میدارد در باطن وسائل دور نمودن او را فراهم آورده و با تعویض مشاورین خود بر علیه بیسمارک مشغول فعالیت میشود. در اول ماه ۱۸۸۹ اعتصابی در بین کارگران معادن وستفالی (۱) رخ داد ویلهلم اول برای جلب قلوب و پیدا کردن محبوبیت در میان افراد ملت در صد تبرآمد قانونی بنفع کارگران از مجلس رایشتاک بگذراند. صدراعظم پیر آلمان که در افکار و عقاید خود راسخ بود با نظر امپراطور مخالفت کرده و او را تهدید به دادن استعفا از مقام خود نمود. ویلهلم دوم ناچار نظر به بیسمارک را قبول کرد اما در اثر تحریکات او مجلس رایشتاک در ۲۵ ژانویه ۱۸۹۰ طرحی را که بیسمارک بر علیه سوسیالیستها تنظیم کرده بود رد نمود. در ۳۱ ژانویه نیز عده از وزراء برخلاف میل بیسمارک بطرف طرح پیشنهادی از طرف امپراطور آلمان متمایل گردیدند.

Westphalie (۱)

عزل بیسمارک - صدارت دو کاپریوی

بیسمارک برای آنکه مراقبت بیشتری در سیاست عمومی و خارجی کشور معمول دارد از وزارت تجارت و امور مربوط به پروس استعفا داد و از مفاد آئین نامه که در ۱۸۶۲ بتصویب رسیده و مذاکره با امپراطور را فقط به شخص صدراعظم اختصاص میداد استفاده نموده بوزرای کابینه خود اخطار کرد بدون اطلاع قبلی او با امپراطور وارد مذاکره نشوند. در ۱۵ مارس ۱۸۹۰ ویلهلم دوم به بیسمارک اخطار نمود که از مزایای آئین نامه ۱۸۶۲ صرف نظر کند و چون بیسمارک جوابی به فرستاده امپراطور نمیداد فردا پس- فردای آن روز این پیغام تکرار شد تا اینکه بالاخره در ۲۷ مارس ۱۸۹۰ دو کاپریوی (۱) بجای بیسمارک بصدارت عظمی آلمان انتخاب گردید.

از موقعیکه بیسمارک صدراعظم آلمان شده بود تا تاریخ عزلش باین نهادن اساس امپراطوری آلمان سعی بسیاری در استحکام بنیان این امپراطوری و پیشرفت اقتصاد و تجارت آلمان بکار برده بود ملت آلمان که در بحبوحه ترقی سیر میکرد با وعده‌هایی که امپراطور آلمان داده و تعقیب سیاست بیسمارک را نصب العین خود قرار میداد توجهی به عزل بیسمارک ننمود مخصوصاً که ویلهلم دوم ظواهر امر را کاملاً رعایت کرده از زحمات و خدمات برجسته بیسمارک قدردانی بعمل آورده و بملت خود اطمینان میداد تغییری در سیاست عمومی کشور نخواهد داد. انتخاب دو کاپریوی هم بجاننشینی بیسمارک از همین نظر بود که مردم تصور کنند سیاست بیسمارک تعقیب خواهد شد ولی از همان اوان امپراطور آلمان خیالات دیگری در سر داشت رئیس ستاد ارتش آلمان والدرسه (۲) نیز

(۱) Georges-Léon, Comte de Caprivi de Caprera di Montecuccoli

(۱۸۳۱-۱۸۹۹) سردار و سیاستمدار پروس - در جنگ بر ضد انریش و فرانسه شرکت کرد.

در ۱۸۸۳ رئیس بحریه آلمان - در ۱۸۹۰ بجاننشینی بیسمارک انتخاب و تا سال ۱۸۹۴ صدراعظم آلمان بود.

(۲) Alfred Comte de Waldersee (۱۸۳۲-۱۹۰۴) فلدمارشال پروس - در

جنگهای ۱۸۶۶ و ۱۸۷۰ شرکت داشت - در ۱۸۸۸ رئیس ستاد ارتش آلمان شد - در ۱۹۰۰

بسمت فرماندهی ارتش اروپایی اعزامی بچین تعیین گردید.

سیاست شخصی ویلهلم دوم - تظاهرات امپراطور آلمان

با افکار و عقاید خود نصایح کشور گشائی با امپراطور آلمان میداد .

صدر اعظم جدید آلمان دو کاپریوی نیز در تعقیب سیاست بیسمارک سعی کرد اتحاد دول دیگر را بطرف آلمان جلب کند مثلاً برای رفع اختلافات با انگلستان زنگبار را در عوض تصرف جزیره هلیگولاند^(۱) به اختیار انگلستان گذارد - جهت بدست آوردن اطمینان اتریش پیمان با روسیه را تجدید نکرد. در نوامبر ۱۸۹۰ برای تجدید پیمان اتحاد مثلث قبل از موعد انقضای آن بمیلان بملاقات کریسپی رفت و چون در اواخر ژانویه ۱۸۹۱ با سقوط کابینه کریسپی افکار ایتالیائیها متوجه فرانسه گردید صدر اعظم آلمان اقدامات خود را تسریع کرده و با حاضر نمودن اتریش بشناختن مزایائی برای ایتالیائیها در ماه مه ۱۸۹۱ یکسال قبل از موعد اتحاد مثلث تجدید شد. ویلهلم دوم تصور میکرد با دیپلوماسی شخصی و با تظاهرات عوام فریبانه خود بتواند نظر موافق روسیه و فرانسه را نسبت با آلمان جلب کند باینجهت در مانورهای نظامی ناروا^(۲) در ۱۸۹۰ توجه زیادی نسبت به تزار روسیه آلکساندر سوم معطوف داشت برای تحبیب فرانسویها نسبت به آنها روی خوش نشان داده و در ۱۸ فوریه ۱۸۹۱ مادر و خواهر خود را بعنوان دیدن هنرهای زیبای فرانسه بیپاریس فرستاد اقدامات ویلهلم دوم چه نسبت به روسیه و چه نسبت به فرانسه فایده نکرد و حتی در فرانسه نتیجه معکوس بخشید. در ماه مه ۱۸۹۱ نیز با ورود ملوانان فرانسه به بندر کر نشناد اساس اتحاد روسیه و فرانسه مستحکم گردید .

در مقابل تهدید اتحاد فرانسه و روسیه ویلهلم دوم رایشتاگ را مجبور نمود بنفقات ارتش آلمان در زمان صلح ۸۰۰۰۰ نفر بیفزاید و در نطق هسائی که ایراد میکرد در عین حالی که قدرت و قوت آلمان را برخ جهانیان میکشید دم از صلح خواهی میزد

(۱) Heligoland

(۲) Narva

صدارت هوهنلور - تقویت بحریه آلمان

از سال ۱۸۹۰ امپراطور آلمان برای تثبیت اقتدار آلمان ب فکر ایجاد بحریه قوی افتاد و چون در نتیجه حملات بیسمارک دو کاپریوی ضعیف شده و اعتبار خود را از دست داده بود پرنس دوهوهنلورا که از خانواده های قدیمی و هسن و دارای اعتبار زیادی در نزد اهالی آلمان بود بصدارت انتخاب کرد. برای تقویت بحریه آلمان نیز آمیراک تیرپیتز^(۱) وزیر بحریه شد.

در ژانویه ۱۸۹۵ برای توسعه متصرفات افریقای جنوبی آلمان بحریه آلمان دو کشتی جنگی به خلیج دلاگولا^(۲) اعزام داشت در موقع حمله جمسون^(۳) در ۳ ژانویه امپراطور آلمان تلگرافی به کروگر^(۴) مخبره کرد که شرح آن بعداً خواهد آمد ولی نتیجه این امر باعث خشم و غضب عمومی در انگلستان گردیده و امپراطور آلمان مجبور گردید از ملکه انگلستان معذرت بخواهد.

در ۱۸۹۶ امپراطور آلمان متوجه قضایای خاور دور گردید برای از بین بردن

(۱) Alfred von Tirpitz (۱۸۴۹-۱۹۳۰) دریا سالار آلمانی - رئیس ستاد بحریه آلمان در ۱۸۹۲ - در ۱۸۹۸ وزیر بحریه آلمان - دریا سالار در ۱۹۰۳ - دریا سالار بزرگ آلمان در ۱۹۱۱ - تا جنک ۱۹۱۴ زحمات زیادی برای توسعه بحریه آلمان کشیده و آنرا بمقام درجه دوم در دنیا رسانید - در ۱۹۱۶ مجبور باستعفا شد - از ۱۹۲۴ تا ۱۹۲۸ نماینده مجلس رایشتاک ،

(۲) Delagola

(۳) Leander Starr Jameson (۱۸۵۳-۱۹۱۷) پزشک و مأمور سیاسی انگلستان پزشک و دوست سایلرود - در اقدامات برای توسعه متصرفات افریقای جنوبی شرکت کرد - در ۱۸۹۵ به ژرمانسبورگ حمله برد تا این شهر را بطور غافل گیری تصرف کند - از بوئرها شکست خورد و تسلیم انگلستان گردید - در انگلستان مهاجمه و محکوم به ۱۵ ماه حبس شد بزودی آزاد و عملیات خود را از سر گرفت - نخست وزیر افریقای جنوبی در ۱۹۰۴

(۴) Kruger (۱۸۲۵-۱۹۰۵) رئیس بوئرها .

دخالت در امور مستمراتی و خاور دور - نمایشات ویلهلم دوم

مزایای پیمان شیمونوزاکی^(۱) دخالت در روابط چین و ژاپن نمود و کشتیهای آلمانی بعنوان حفاظت مسیحیان در دسامبر ۱۸۹۷ تحت فرمان پرنس هانری^(۲) رهسپار آبهای چین گردید. یکسال بعد امپراطور آلمان با جاه و جلال بسیار مسافرتی به بیت المقدس کرد. کشیشان آلمانی این مسافرت را به مسافرت‌های صلیبیون تشبیه کردند در صورتیکه ویلهلم دوم برای جلب نظر دولت عثمانی ملاقات صمیمانه نیز با سلطان عبدالحمید دشم مسیحیان بعمل می‌آورد.

منظور ویلهلم دوم از این نظاهرات بیشتر جلب نظر و اعتماد اهالی آلمان بود بارونق اقتصادی که صنایع آلمان پیدا کرده بود نمایشات امپراطور آلمان در نزد ملت مؤثر واقع و اطمینان اهالی آلمان نسبت به سیاست حکومت جلب گردید فقط اتحاد فرانسه و روسیه که مانع برتری آلمان و جلوگیری از تهاجمات احتمالی آلمان میشد خیال ویلهلم دوم را ناراحت ساخته و برای از بین بردن این تهدید امپراطور آلمان از هیچ اقدامی فروگذار نمی‌کرد باین جهت در سال ۱۸۹۴ از اقدامات مالی که بر علیه روسیه بعمل آمده بود دست برداشت و حاضر شد نسبت به روسیه در امور تجارتي و راجع به بغازها تسهیلاتی قائل شود ولی الکساندر سوم تحت تأثیر ویلهلم دوم قرار نگرفت و مناسبات دوستانه خود را با فرانسه ادامه داد.

فوت الکساندر سوم و سلطنت نیکلای دوم که هم جوان و بی تجربه و هم دوست و قوم خویش ویلهلم دوم بود امپراطور آلمان را امیدوار ساخت که بزودی تزار روسیه تحت نفوذ او قرار خواهد گرفت. بمحض اینکه در نوامبر ۱۸۹۴ نیکلای دوم تزار روسیه گردید باب مکاتبات دوستانه بین امپراطور آلمان و تزار روسیه مفتوح گردید

(۱) Shimonosaki

(۲) Albert-guillaume prince Henri (۱۸۶۲-۱۹۲۹) برادر ویلهلم دوم

امپراطور آلمان - در بحریه آلمان خدمت و در سال ۱۸۹۷ فرماندهی ناوگان اعزامی بخاور دور تعیین شد.

افتتاح کانال کیل - اعلام اتحاد روسیه و فرانسه

و در ۱۵ فوریه ۱۸۹۵ امپراتور آلمان دول روسیه و فرانسه را برای جشن افتتاح کانال کیل^(۱) دعوت کرد. امپراتور آلمان تصور مینمود که چون فرانسویها دعوت دولت آلمان را قبول نخواهند کرد در روابط آنها با روسیه اشکافی ایجاد خواهد شد چه در این موقع ژیرفوت نموده ولوبانوف^(۲) که یکی از موافقین جدی اتحاد با فرانسه بود بتحریر یک ملکه مادر تزار روسیه از نظر افتاده بود جانشین موقتی ژیر نیز قدرت لازم را برای اداره سیاست خارجی روسیه و راهنمایی تزار جوان و بی تجربه روسیه نداشت باین جهات تزار روسیه بدون مشاوره با دولت فرانسه دعوت امپراتور آلمان را قبول کرد در صورتیکه فرانسویها قبل از اعلام تصمیم خود با دولت روسیه وارد مذاکره شدند در این بین در ۲۷ فوریه لوبانوف به جانشینی ژیر تعیین شد امپراتور آلمان نیز که از این تصمیم ناگهانی تزار روسیه فوق العاده متغیر شده تصورات خود را نقش بر آب میدید سفیر خود را از پترزبورگ احضار نمود.

لوبانوف برای اینکه دعوت به جشن افتتاح کانال کیل موجب تقاری بین فرانسه و روسیه نشود دولت فرانسه را ترغیب بقبول دعوت آلمان کرد و چون برای فرانسویها مشکل بود در جشنی که عظمت دشمن قدیمی آنها را تأیید میکرد شرکت کنند برای تسکین احساسات عمومی مذاکراتی بین دولتین فرانسه و روسیه جریان یافت تا بملیت فرانسه چنین وانمود شود شرکت در این جشن برای نگاهداری اتحاد فرانسه با روسیه لازم است تزار روسیه نیز که تا آنوقت این اتحاد را سری نگاه میداشت به افشاء آن رضایت داد باین ترتیب نقشه امپراتور آلمان که در بدو امر برای ایجاد تفرقه بین دولت فرانسه و روسیه بود باعث گردید که در موقعی که فرانسه در جشن افتتاح کانال کیل شرکت میکرد در پارلمان فرانسه اتحاد فرانسه و روسیه رسماً

(۱) Kiel

(۲) Lobanov سیاستمدار روسی

اعلام گردد .

ویلهم دوم بعد از عدم موفقیت در قضیه کیل روسیه را ترغیب نمود که بر ضد ژاپونیا که در چین فاتح شده بودند اقداماتی بعمل آورد باین امید که فرانسویها از کمک خود در این موضوع بروسیه دریغ خواهند کرد ولی برخلاف تصور امپراطور آلمان دولت فرانسه در تظاهراتی که بر ضد ژاپن صورت گرفت شرکت کرد و نقشه ویلهم دوم به نتیجه نرسید .

در سپتامبر ۱۸۹۵ پرنس لوبانوف وعده از افسران روسی در مانور ارتش فرانسه که در ناحیه لورن انجام گرفت حضور پیدا کرده و از طرف فرانسویان با گرمی زیادی پذیرائی شدند ویلهم دوم در این موقع نامه خصوصی به تزار روسیه نوشته سعی کرد نیکلای دوم را از اقدامات فرانسویان و حس انتقام جوئی آنها بترساند تزار روسیه تحت تأثیر تلقینات ویلهم دوم قرار نگرفت ولی قضیه آرامنه و دولت عثمانی که فرانسه را بین دو سیاست متضاد انگلستان و روسیه قرار داده بود باعث خوشحالی امپراطور آلمان گردید چه در ۱۸۹۵ در نتیجه کشتارهای متوالی آرامنه دولت انگلستان ب فکر افتاد بمعیت اتریش و ایتالیا اقدام دسته جمعی بعمل آورد و سلطان عثمانی را خلع نمایند . دولت آلمان که منتظر فرصت بود به تزار روسیه نامه مجددی نوشته و کمک خود را در صورت لزوم بدولت روسیه پیشنهاد کرد .

دولت روسیه با وجود پیشنهاد های امپراطور آلمان که حتی حاضر بتقسیم دولت عثمانی بین اتریش و روسیه بود اتفاق نظر خود را با فرانسه از دست نداد و از دولت فرانسه درخواست نمود بمعیت یکدیگر اعلام نمایند که بانعقوب مقاصد خصوصی در دولت عثمانی مخالفت خواهند کرد . ضمناً دولت روسیه تصمیم به تجهیز صد هزار سرباز گرفت مشاورین تزار روسیه نیز او را از مقاصد امپراطور آلمان که ایجاد اختلاف بین روسیه و فرانسه بود آگاه کردند و در نتیجه دولت روسیه برای شروع به اقدامات در دولت عثمانی وارد مذاکره با فرانسه گردید . دولت فرانسه بر عکس آلمان در عوض تقسیم عثمانی دولت روسیه را تشویق به نگاهداری سکون و آرامش در بالکان نمود

تحریرات آلمان در سیاست فرانسه

و صریحاً بدولت روسیه خاطر نشان نمود که اقداماتی که خارج از پیمان اتحاد صورت گیرد بدون موافقت قبلی تعهدی برای فرانسه ایجاد نخواهند کرد. باین ترتیب در قضیه آرامنه سیاست فرانسه مانع از بروز بحران بین دول اروپا گردید و با وجود تحریرات آلمان در سال ۱۸۹۶ تزار روسیه مسافرتی بفرانسه کرد در سال ۱۸۹۷ هم رئیس جمهور فرانسه بدیدار تزار روسیه رفت و در نتیجه اتحاد فرانسه و روسیه علیرغم سیاست ویلهلم دوم مستحکم گردید.

همانطوریکه ویلهلم دوم سعی مینمود با نزدیک شدن بروسیه این دولت را از فرانسویها دور سازد چندین مرتبه نیز سعی نمود این سیاست را نسبت بفرانسویها بکار برد مثلاً در سال ۱۸۹۴ بدولت فرانسه پیشنهاد نمود راجع به اختلافاتی که درباره نیل علیا پیدا شده بود متفقاً اقداماتی برای حفظ وضع فعلی در افریقا بعمل آورند ولی بعداً از تصمیم خود منصرف شده و دولت فرانسه را در نیمه راه تنها گذارد. در سال ۱۸۹۶ نیز امپراطور آلمان از دولت فرانسه دعوت نمود برای جلوگیری از توسعه امپراطوری انگلیس در جنوب افریقا اقداماتی بعمل آورند ولی این دفعه فرانسویها دیگر حاضر نشده و پیشنهاد آلمان را سردی تلقی کردند در ۱۸۹۸ باز امپراطور آلمان از دولت فرانسه مخفیانه دعوت نمود مستعمرات پرتغال را در افریقا تقسیم کنند. این بار هم دولت فرانسه دعوت ویلهلم دوم را رد کرد در همین سال بین فرانسه و انگلستان اختلافاتی درباره قضیه فاشودا^(۱) رخ داد و ویلهلم دوم امیدوار شد این اختلافات وسعت پیدا نمایند ولی باز امید امپراطور آلمان مبدل بیأس گردید.

با وجود تمام شکستهای سیاسی که نصیب امپراطور آلمان میگردد ترقی فوق العاده صنایع و اقتصاد آلمان ویلهلم دوم را بعظمت آلمان مفرور کرده و بعد از فتوحات بیسمارک که مقام مهمی را برای آلمان در اروپا بدست آورده بود امپراطور آلمان بنخیزان تقویت بحربه آلمان افتاد تا سیادت خود را بر دنیا تحمیل کند باین جهت در سال ۱۸۹۷ پرنس

Fachoda (۱)

صدارت دوبولو

دوبولو (۲) را که شاگرد مکتب بیسمارک و جوان تر از پرنس دو هو هنلو بود بدو وزیر خارجه و در سال ۱۹۰۰ صدراعظم آلمان نمود تا بتواند نقشه فرمانروائی آلمان را بر دنیا تحمیل کند .

(۱) Bernard prince de Bulow (۱۸۴۹-۱۹۲۹) سیاستمدار آلمانی - از ۱۸۷۰ وارد خدمت دولتی شد - وزیر خارجه آلمان در ۱۸۹۷ - طرفدار توسعه مستعمراتی و اقتصادی آلمان - صدراعظم آلمان از ۹۰۰ تا ۱۹۰۹ - سفیر کبیر آلمان در ایتالیا در ۱۹۱۵ - سعی بسیاری برای حفظ موافقت ایتالیا با آلمان بعمل آورد ولی به نتیجه نرسید .

فهرست مطالب

مقدمه

از صفحه ۱ تا ۳

جلد اول

جنبش ملل اروپا و تأسیس دول جدید

(۱۸۵۶-۱۹۰۰)

فصل اول

دول مهم جهان در نیمه دوم قرن نوزدهم

انگلستان - فرانسه - اتریش - پروس - دول آلمان - روسیه - عثمانی - ایتالیا -

یونان - اسپانیا و پرتغال - دول اسکانندیناوی - دول متحده امریکای شمالی - کانادا -

مکزیک - امریکای جنوبی - افریقای جنوبی - استرالیا - ژاپن - چین - ایران

از صفحه ۷ تا ۲۹

فصل دوم

کنگره صلح پاریس (۱۸۵۶)

جنگ کریمه - بیطرفی پروس - تردید اتریش - ورود دولت ساردنی در جنگ -

تسخیر سباستوپول - اولتیماتوم متفقین - قبول آن از طرف روسیه - دولی که در کنگره

شرکت کردند - افتتاح کنگره صلح در پاریس - پیمان صلح - موضوعهای دیگری که

در کنگره مورد بحث قرار گرفت - نتایج کنگره پاریس و جنگ کریمه از صفحه ۳۰ تا ۳۶

فصل سوم

فرانسه و ناپلئون سوم بعد از جنگ کریمه

اهمیت فرانسه بعد از جنگ کریمه - عقاید ناپلئون سوم - اموریاتالیا - قضایای رومانی - سوء قصد اورسینی - جنگ بااتریش - عدم توافق نظر با دولت ساردنی - تصرف نیس و ساووا - اقدامات برای جلب نظر کاتولیکها - تحریکات ناپلئون سوم در رومانی و سرستان - شورش لهستان - مداخله در امور مکزیک - عدم موفقیت سیاست ناپلئون سوم در داخله و خارجه .

از صفحه ۳۷ تا ۴۶

فصل چهارم

تأسیس دولت رومانی

آمال و آرزوهای اهالی رومانی - تصمیم کنگره پاریس - تحریکات اتریش و عثمانی - انتخابات اول رومانی - قطع روابط فرانسه با عثمانی - ملاقات ناپلئون سوم از ملکه انگلستان و تزار روسیه - ابطال انتخابات رومانی و انتخابات مجدد - انتخاب الکساندر کوزا با مارت مولداوی و والاشی - تأسیس دولت رومانی - کناره گیری الکساندر کوزا - انتخاب پرنس شارل دو هوهنزولرن بیادشاهی رومانی .

از صفحه ۴۷ تا ۵۲

فصل پنجم

وحدت ایتالیا

رویه پاپ - کاوور و عقاید او - جنگ کریمه - شرکت ساردنی در کنگره صلح تبلیغات کاوور - اعتراض اتریش - سیاست ناپلئون سوم ملاقات پلومبیر - پیمان ساردنی و فرانسه - رویه مسالمت آمیز اتریش - طرح تشکیل کنگره - اولتیماتوم اتریش - جنگ با اتریش ترك مخصوصه و بلافرانکا - الحاق دوشه های مرکزی ایتالیا بدولت ساردنی و نیس و ساووا بفرانسه - پادشاه ناپل و شورش سیسیل - حمله گاریبالدی - سقوط ناپل و تظاهرات ایتالیائیها - شکست پاپ - ایتالیای جدید - فوت کاوور - تقاضای تصرف پیمان سپتامبر ۱۸۶۴ - اتحاد پروس و ایتالیا - تردید ناپلئون سوم - الحاق و نیزبایتالیا

از صفحه ۵۳ تا ۷۱

تصرف شهر رم .

فصل ششم

مقدمات وحدت آلمان

کنفدراسیون ژرمانیک-اتحاد گمرکی- اقدامات آزادیخواهان-انقلابات سال ۱۸۴۸- اتحادیه دول آلمان شمالی- اولموتز-سیاست پروس در جنگ کریمه- بیسمارک مسافرت‌های بیسمارک و نظریات سیاسی او- تهدید شاهزادگان آلمان و اتریش- شورش لهستان- قضیه دوشه‌ها- اشغال دوشه‌ها- کنفرانس لندن- پیمان صلح با دانمارک ملاقات بیارتیز- جلب نظر ایتالیا- پیمان گاستین- ملاقات بیارتیز- تحریرات پروس و اتریش در دوشه‌ها- اتحاد پروس و ایتالیا- تردید ناپلئون سوم- مقدمات حمله پروس سادوآ- پیمان صلح پراگ- واگذاری ونیز با ایتالیا- از بین رفتن کنفدراسیون ژرمانیک تشکیل دول متحده آلمان- مقدمات تأسیس امپراطوری آلمان- از صفحه ۷۲ تا ۸۷

فصل هفتم

اروپا بین دو جنگ

تردید امپراطور فرانسه- سوءتدبیر ناپلئون سوم- تقاضای تصرف بلژیک- پیشنهاد فروش لوگزامبورگ- شکست سیاست فرانسه- کنفرانس لندن- برقراری رژیم آزادی در فرانسه- سیاست اتحاد اسلاو- شورش کورت- ملاقات سالزبورگ- کنفرانس پاریس و ختم شورش کورت- طرح اتحاد بین اتریش و فرانسه و ایتالیا- عدم تصمیم ناپلئون سوم

از صفحه ۸۸ تا ۹۷

فصل هشتم

جنگ فرانسه و آلمان در ۱۸۷۰

برقراری رژیم آزادی در فرانسه- از بین رفتن حیثیت ناپلئون سوم- علل لزوم

جنگ - پیشنهاد سلطنت اسپانیا - اعتراض فرانسه - ملاقات امس - تلگراف امس
 تحریک احساسات عمومی - اعلان جنگ - از بین رفتن امیدهای فرانسه - عدم موافقت
 با واگذاری رم - انتشار طرح تصرف بلژیک - شکست فرانسه - اتحادیه بیطرفی
 حکومت دفاع ملی - مسافرت سیاسی تیر - اقدامات ژول فاور - تسلیم بازن - اعلامیه روسیه
 و نقض بیطرفی دریای سیاه - کنفرانس لندن و عدم حضور نماینده فرانسه - ترک
 مخاصمه - کمون - پیمان صلح فرانکفورت - تشکیل امپراطوری آلمان .

از صفحه ۹۸ تا ۱۱۲

فصل نهم

مقدمات اتحاد آلمان و اتریش

سیاست بیسمارک بعد از جنگ با فرانسه - ضعف نگاه داشتن فرانسه - طرح اتحاد
 آلمان و اتریش - ملاقاتهای سالزبورگ و گاستین - عزل بوست - کولتور کامف - سلطنت آمده
 اول در اسپانیا - ملاقات سه امپراطور در برلن - نتایج ملاقات سه امپراطور - استعفای
 تیر - تشویش ویکتور امانوئل - نزدیکی ایتالیا با اتریش و آلمان - رد سلطنت فرانسه
 از طرف کنت دو شامبور - اعتراض بیسمارک بدولت فرانسه - توافق روسیه و انگلستان
 سلطنت الفونس دوازدهم - استقرار جمهوری در فرانسه - تهدید بیسمارک - اعتراض
 انگلستان و روسیه - توجه بیسمارک بخطر اتحاد روسیه و فرانسه از صفحه ۱۱۳ تا ۱۲۳

فصل دهم

مسائل شرق و کنگره برلن ۱۸۷۸

تقاضاهای اسلاوها - تبلیغات اتحاد اسلاو - لغو بیطرفی دریای سیاه - همکاری
 اتریش و روسیه - فساد حکومت عثمانی - شورش هرزه گوین - میانجیگری اتریش - وعده
 های دولت عثمانی - سلطان عبدالحمید دوم - اعلان جنگ سربستان و مونتهنگرو - شکست
 سربها - موافقت اتریش و روسیه - تقاضای ایگنائیف - کنفرانس قسطنطنیه - یادداشت
 دول اروپا و روسیه - اعلان جنگ - فتح روسیه - ترک مخاصمه - پیمان سان استنفانو - مخالفت
 انگلستان و اتریش - عذر تراشی بیسمارک - کنگره برلن - تصمیمات کنگره - نتایج
 کنگره برلن .

از صفحه ۱۲۴ تا ۱۳۷